



Predicting resistance to change based on attachment styles and cognitive flexibility

Mohammad Reza Roshanaei¹ | Afsaneh Hosseini Arani² | Mosayyebb Yarmohammadi Vasei³

Abstract

One of the most important issues that people face is the issue of resistance to change, which overshadows people's lives and affects its various aspects. The current research was conducted with the aim of predicting resistance to change based on attachment styles and cognitive flexibility. This research was descriptive and correlational. The statistical population of the present study includes all male employees of the police force of the 11th district of Tehran in the fall of 2021, and 167 people were selected as the research sample using the available method. The study tools include Oreg (2003), Hazen and Shaver (1987) adult attachment style and cognitive flexibility (CFI) questionnaires. The data were analyzed with the help of regression and Pearson correlation tests. The regression test showed that cognitive flexibility and insecure-avoidant and insecure-ambivalent attachment styles predict resistance to change. Also, based on Pearson's correlation test, there is a significant relationship between resistance to change with insecure/avoidant attachment style, insecure/ambivalent attachment style and cognitive flexibility. Therefore, knowing and identifying the factors and stimuli affecting resistance to change can lead to finding new solutions for treatment and, more importantly, prevention.

Keywords: Resistance To Change, Attachment Styles, Cognitive Flexibility.

DOR: 20.1001.1.25885162.1401.13.52.7.7

1. Corresponding Author: MA in General Psychology, Faculty of Economic and Social Sciences, Bo Ali Sina University, Hamadan, Iran. Mrroshanaei1998@gmail.com
2. MA student in General Psychology, Faculty of Economic and Social Sciences, Bo Ali Sina University, Hamadan, Iran.
3. Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Economic and Social Sciences, Bo Ali Sina University, Hamadan, Iran.

پیش‌بینی مقاومت در برابر تغییر بر اساس سبک‌های دلبستگی و انعطاف‌پذیری شناختی

محمد رضا روشنائی^۱ | افسانه حسینی اراچی^۲ | مسیب یارمحمدی واصل^۳

۵۲

سال سیزدهم
زمستان ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۰/۱۰/۲۷
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۱/۵/۱۵
صص: ۱۶۸-۱۴۷

شاپا چاپی: ۵۱۶۳-۲۵۸۸
الکترونیکی: ۵۱۷-۲۶۴۵



چکیده

یکی از موضوعات بسیار مهم که افراد با آن مواجه هستند، موضوع مقاومت در برابر تغییر می‌باشد که زندگی افراد را تحت الشعاع قرار داده و بر جنبه‌های مختلف آن اثر می‌گذارد. پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی مقاومت در برابر تغییر بر اساس سبک‌های دلبستگی و انعطاف‌پذیری شناختی انجام گرفت. این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی کارمندان مرد نیروی انتظامی منطقه ۱۱ شهر تهران در پاییز ۱۴۰۰ می‌باشد که به روش در دسترس تعداد ۱۶۷ نفر به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ابزار مطالعه شامل پرسش‌نامه‌های مقاومت در برابر تغییر اورگک (۲۰۰۳)، سبک دلبستگی بزرگسالان هازن و شیور (۱۹۸۷) و انعطاف‌پذیری شناختی (CFI) می‌باشد. داده‌ها با کمک آزمون‌های رگرسیون و همبستگی پیرسون تحلیل شدند. آزمون رگرسیون نشان داد که انعطاف‌پذیری شناختی و سبک‌های دلبستگی نایمن-اجتنابی و نایمن-دوسوگرا پیش‌بینی‌کننده مقاومت در برابر تغییر می‌باشند. همچنین بر اساس آزمون همبستگی پیرسون، بین مقاومت در برابر تغییر با سبک دلبستگی نایمن/اجتنابی، سبک دلبستگی نایمن/دوسوگرا و انعطاف‌پذیری شناختی رابطه معنی‌داری وجود دارد. از این رو شناخت و شناسایی عوامل و محرک‌های موثر بر مقاومت در برابر تغییر می‌تواند موجب یافتن راه‌حل‌های جدید برای درمان و مهم‌تر از آن پیشگیری شود.

کلیدواژه‌ها: مقاومت در برابر تغییر؛ سبک‌های دلبستگی؛ انعطاف‌پذیری شناختی.

DOR: 20.1001.1.25885162.1401.13.52.7.7

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد رشته روانشناسی عمومی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. Mroshanaei1998@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته روانشناسی عمومی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

۳. دانشیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

مقدمه

یکی از موضوعات مهمی که جنبه‌های مختلف اجتماعی و خانوادگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تغییر می‌باشد. تغییر به معنای خروج از حالتی و رسیدن و مستقر شدن در حالتی دیگر است. تغییر همیشه در تمامی جنبه‌های زندگی وجود دارد و تقریباً بر هر فرد در سراسر جهان تأثیر می‌گذارد، با این حال پاسخ افراد برای فشارهای تغییر متفاوت است. در حالی که برخی با کمال میل از آن استقبال می‌کنند و فعالانه به دنبال آن هستند، دیگران تا جایی که ممکن است از آن اجتناب کرده و در برابر آن مقاومت می‌کنند (اورگک^۱، ۲۰۰۳). مقاومت پدیده‌ای است که فرایند تغییر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و شروع فرایند را کند و یا دچار تأخیر می‌نماید. همچنین می‌تواند مانع اجرا و پیاده‌سازی تغییر شده و آن را عقب بیندازد یا هزینه‌ها را افزایش دهد. پدیده مقاومت در برابر تغییر لزوماً مقاومت در برابر خود تغییر نیست؛ بلکه بیشتر مقاومت در برابر از دست دادن چیزهای با ارزش شخصی، طی فرآیند تغییر است (شاه‌سمندی اصفهانی، ۱۳۸۴). همچنین مقاومت در برابر تغییر، پدیده‌ای چندوجهی و پیچیده است که تابعی از عوامل مختلف منطقی، غیرمنطقی، سیاسی و مدیریتی است (محمدی، ۱۳۹۸). برخی مقاومت را دارای دو بعد فعال و منفعل می‌دانند (سلف^۲، ۲۰۰۷). برخی دیگر مقاومت را تنها یک بی‌میلی دانسته که الزاماً بار منفی ندارد (ایاز و ویتالیس^۳، ۲۰۱۱؛ محمدی، نداف و صفریان، ۱۳۹۶). رابینز و استفان^۴ (۲۰۱۷) معتقدند که مقاومت در برابر تغییر، رفتاری برای محافظت از فرد در برابر اثرات واقعی یا تخیلی تغییر است که می‌تواند آشکارا یا تلویحی باشد. به عقیده آرسینیجا و گنزالس^۵ (۲۰۰۹) مقاومت جهت‌مند در برابر تغییر شامل چهار بعد است: روزمرگی جویی^۶، واکنش هیجانی^۷، تمرکز کوتاه مدت^۸ و انعطاف‌ناپذیری

1. Oreg
2. Self
3. Ijaz & Vitalis
4. Robbins & Stephen
5. Arciniega & Gonzalez
6. Seeking routine
7. Reaction emotional
8. Short-term Focus

شناختی^۱. روزمرگی شامل اندازه و حدی می‌شود که فرد وظایف، روش‌ها و محیط‌های مرسوم و قابل پیش‌بینی را ترجیح می‌دهد. واکنش هیجانی بر میزانی از ناراحتی، فقدان شور و شوق و اضطراب و نگرانی که فرد در هنگامی که تغییرات بر او تحمیل می‌شود، تمرکز دارد. تمرکز کوتاه‌مدت به جای اینکه بر مزایای بالقوه و آسودگی که در درازمدت عاید ایشان می‌شود، تمرکز کند، بر درجه‌ای از نگرانی فرد در مورد زحمت و ناراحتی که تغییر برای ایشان فراهم می‌آورد، تأکید دارد. سختی شناختی شامل انعطاف‌ناپذیری فرد در تفکر و مشکل در پذیرش ایده‌ها، دیدگاه‌ها و روش‌های دیگر است. این چهار بُعد مرتبط و در عین حال متمایزاند و هر یک از آن‌ها نشان‌دهنده یک منبع متفاوت از مقاومت هستند (ناو و یی^۲، ۲۰۰۸).

محققان معتقدند به شش دلیل فرد در برابر تغییر از خود مقاومت نشان می‌دهد که عبارتند از:

۱. عادت (رابینز و استفان (۲۰۱۷) معتقدند هنگامی که فرد با پدیده تغییر روبه‌رو می‌شود، این نوع تمایل که بر اساس آن، بر حسب عادت عمل می‌کند به صورت منبعی در می‌آید که در برابر پدیده تغییر ایستادگی می‌کند).
۲. امنیت (مورهد و گریفین^۳ (۱۳۸۲) معتقدند اگر افراد احساس کنند با ایجاد تغییرات، امنیتشان به خطر می‌افتد احتمالاً در برابر آن مقاومت خواهند کرد).
۳. عوامل اقتصادی (رابینز و استفان (۲۰۱۷) معتقدند ترس از کاهش درآمد باعث مقاومت در برابر تغییر می‌شود).
۴. ترس از ابهام (به اعتقاد رابینز و استفان (۲۰۱۷) افراد بدلیل ترس از پدیده ناآشنا واکنشی از خود نشان خواهند داد و مقاومت می‌کنند).
۵. فقدان آگاهی (به عقیده رابینز و استفان (۲۰۱۷) افراد با توجه به ادراک، برداشت یا پنداشتی که از دنیای خارج خود دارند همان چیزهایی را می‌شنوند که می‌خواهند بشنوند و به اطلاعاتی که دنیای خودساخته آنان را مورد تهدید قرار دهد گوش نمی‌دهند).

1. Cognitive rigidity
2. Nov & Yo
3. Moorhead & Griffin

۶. عوامل اجتماعی (مورهد و گریفین (۱۳۸۲) معتقدند که اشخاص ممکن است به سبب ترس از این که دیگران چه فکر خواهند کرد، در برابر تغییر مقاومت کنند).
به‌طور کلی افراد به دوری از تغییر تمایل دارند و عمدتاً نیازمند آموختن مهارت‌های جدید هستند (بی‌رل^۱، ۲۰۰۹). به تعبیر دراکر، یگانه امر ثابت در دنیای امروز تغییر است. اگر انسان‌ها خاصیت تغییر‌پذیری و اصلاح نداشتند، در چارچوب تنگ فکری خود باقی می‌مانند و راه پیشرفت آنان مسدود می‌شد (بخشی، ۱۳۹۰).

همان‌گونه که در بالا ذکر شد دلایل فردی مقاومت، ریشه در نگرش‌ها، باورها، ادراکات و ارزش‌های افراد و همچنین شخصیت افراد دارد. نتایج پژوهش اورگک (۲۰۰۶) در رابطه با مقاومت در برابر تغییر نشان داد که شخصیت و زمینه کاری به‌طور قابل توجهی با نگرش افراد نسبت به تغییر مرتبط است و این نگرش‌ها به نوبه خود به‌طور قابل توجهی با رضایت و پذیرش تغییر رابطه دارند. نکته مهمی که وجود دارد این است که مفهوم مقاومت و طرز تلقی از آن به‌طور کامل به دیدگاه‌ها و مدل ذهنی هر فردی برمی‌گردد (وندال و بل^۲، ۲۰۱۰). هرچند مقاومت در برابر تغییر تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد، ولی ما به‌دنبال پیش‌بینی مقاومت در برابر تغییر بر اساس سبک‌های دلبستگی و انعطاف‌پذیری شناختی هستیم.

نظر به اینکه کودک، مادر را اولین پایگاه عاطفی امن در زندگی می‌یابد، شخصیت مادر در تحول شخصیت کودک، اهمیت اساسی دارد. هرچند ممکن است در طول زمان این دلبستگی‌ها نوسان یابد، اما در سراسر زندگی خانواده، به بقای خود ادامه می‌دهد (ینت، توماس، کاپیل، تیزن، شینام و همکار^۳، ۲۰۱۵). بدون شک یکی از مفاهیمی که در بطن خانواده شکل می‌گیرد و نگرش مقاومت در برابر تغییر را تحت شعاع قرار می‌دهد، مفهوم سبک‌های دلبستگی می‌باشد که از کودکی به‌وجود می‌آید. سبک‌های دلبستگی پیش‌بینی‌کننده روابط افراد در بزرگسالی می‌باشند و می‌تواند نحوه برخورد افراد با محرک‌های مختلف که نیازمند تغییر می‌باشد را نشان دهد.

1. Beerel
2. Vandal & Bell
3. Yenet, Thomas, Kwapil, Tizn, Sheinbaum & et al

سبک‌های دلبستگی عبارتند از:

۱. سبک دلبستگی افراد ایمن^۱ (افراد با دلبستگی ایمن به جای احتیاط شدید در جهت اجتناب از طرد شدن و آسیب دیدن، می‌توانند توجه خود را بر لحظه حاضر به‌روشی گشوده و به‌دور از قضاوت متمرکز کنند (پپینگ، دنووان و دیویس^۲، ۲۰۱۳))
 ۲. سبک دلبستگی افراد نایمن / دوسوگرا (مضطرب)^۳ (این افراد گرایش کمتری به داشتن دیدگاه مثبت در مورد ارزش خودشان دارند و اغلب در روابط بین فردی از ارزشمند بودن خود در شک هستند (بوغارت، دالدر، وندرپ، کانست و پوشمن^۴، ۲۰۰۸). همچنین ترس از ترک و طرد شدن دارند که باعث می‌شود در تعاملاتشان در پی ارضای نیازهای دلبستگی همچون عشق، محبت، خودارزشمندی، جلوگیری ترس از طرد و ترک شدن برآیند و از طریق رفتارها و هیجان‌های ناسازگارانه‌ای همچون اضطراب، نشخوار فکری، تلاش مفرط برای در ارتباط بودن و کنترل توجهی پایین، رفتار کنند (پپینگ و همکاران، ۲۰۱۳؛ کادول و شیور^۵، ۲۰۱۳))
 ۳. سبک دلبستگی افراد نایمن / اجتنابی^۶ (این افراد از ارتباط و تعامل دوری می‌کنند و از نزدیکی و صمیمیت می‌ترسند (اینسورث، بلهار، واترز و والز^۷، ۱۹۷۸). از طرفی آن‌ها ویژگی‌هایی چون فرونشانی تفکر، فرافکنی دفاعی، پردازش بازدارانه خطر و عدم انعطاف در دامنه وسیعی از شناخت‌ها را دارا هستند (میکولینسر و شیور^۸، ۲۰۰۷)).
- متغیر دیگری که می‌تواند بر نگرش مقاومت در برابر تغییر تأثیرگذار باشد و قبلاً نیز به آن اشاره کردیم، انعطاف‌پذیری شناختی می‌باشد. انعطاف‌پذیری شناختی به‌عنوان ویژگی عمده شناخت انسان توصیف شده است و به توانایی فرد برای در نظر گرفتن همزمان بازنمایی‌های

1. Safe attachment style
2. Pepping, Davi& &O'Donovan
3. Ambivalent attachment style
4. Bogaerts, Daalder, Van der Knaap, Kunst & Buschman
5. Caldwell &
6. Avoidant attachment style
7. Ainsworth, Blehar, Waters & Walls
8. Mikulincer & Shaver

متناقضی از یک شی یا یک رویداد اشاره دارد (جکسن و زولا^۱، ۲۰۰۵). علی‌رغم اینکه پژوهش‌های مختلفی در مورد این سازه شناختی صورت گرفته است، اما در حال حاضر اتفاق نظری در مورد چگونگی تعریف این مفهوم وجود ندارد. به‌طور کلی، توانایی تغییر آمایه‌های شناختی به‌منظور سازگاری با محرک‌های در حال تغییر محیطی، عنصر اصلی در تعاریف عملیاتی انعطاف‌پذیری شناختی است (دنيس و واندروال^۲، ۲۰۱۰). برخی پژوهش‌ها انعطاف‌پذیری شناختی را میزان ارزیابی فرد در مورد قابل کنترل بودن شرایط تعریف کرده‌اند، که این ارزیابی در موقعیت‌های مختلف تغییر می‌کند (گان، لیو و ژانگ^۳، ۲۰۰۴؛ زونگ، کائو، کائو، شی، وانگ و همکاران^۴، ۲۰۱۰).

افرادی که توانایی تفکر انعطاف‌پذیری دارند، از توجهات جایگزین استفاده می‌کنند، به‌صورت مثبت چارچوب فکری خود را بازسازی می‌کنند و موقعیت‌های چالش‌انگیز و یا رویدادهای استرس‌زا را می‌پذیرند و نسبت به افرادی که انعطاف‌پذیر نیستند، از نظر روان‌شناختی تاب‌آوری بیشتری از خود نشان می‌دهند (هوگلند و همکاران^۵، ۲۰۰۷). بنابراین شامل دو زیر شاخه‌ی: ۱. مهار مواد نامربوط ۲. انتقال توجه و تمرکز به تکالیف با آمایه‌های ذهنی متفاوت می‌باشد (گاتر و الیزابت^۶، ۲۰۱۰؛ کاربونلا و تیمپانو^۷، ۲۰۱۶). در مقابل، اختلال در شرایط شناختی و انگیزشی می‌تواند پردازش شناختی و انعطاف‌پذیری شناختی افراد را با مشکلات زیادی روبه‌رو سازد و فکر و رفتار فرد را در پاسخ به تغییرات تحت تأثیر قرار دهد (دیکستین و همکاران^۸، ۲۰۰۷). در برخی شرایط، توانایی‌های شناختی در افراد به دلایل مختلف مختل می‌شود و تمایل افراد برای تلاش در مسیر رسیدن به اهداف کم می‌شود (آمادیو، کلیمن، اسکمید^۹، ۲۰۱۵). افرادی که از انعطاف‌پذیری کمتری برخوردار هستند، به‌سختی می‌توانند یادگیری‌های اولیه خود را

1. Jacques & Zelazo
2. Dennis & Vander Wal
3. Gan, Liu & Zhang
4. Zong, Cao, Cao, Shi, Wang & et al
5. Haglund & et al
6. Gutter & Elizabeth
7. Carbonella & Timpano
8. Dickstein & et al
9. Amadio, Kleiman & Schmid

فراموش کنند. همچنین آن‌ها بر یادگیری‌های قلبی خود که پیامدهای منفی برایشان دارد، پافشاری می‌کنند و این پافشاری به سازگاری آن‌ها با شرایط جدید آسیب می‌رساند (کاربونلا و تیمپانو، ۲۰۱۶).

همان‌گونه که ذکر کردیم افراد دارای سبک‌های دلبستگی متفاوتی می‌باشند و هر سبک ویژگی‌های خاص خود را داراست؛ به‌عنوان نمونه فرد دارای دلبستگی ناایمن/اجتنابی، میزان متفاوتی از مقاومت در برابر تغییر را نشان می‌دهد. همچنین انسان‌ها دارای میزان انعطاف‌پذیری شناختی متفاوتی از یکدیگر هستند و این موضوع به نوبه خود، زندگی آن‌ها را در موقعیت‌های مختلف از جمله تغییرات زندگی تحت الشعاع قرار می‌دهد. ازاین‌رو سبک‌های دلبستگی و انعطاف‌پذیری شناختی می‌توانند تأثیر مهمی در جوانب مختلف زندگی از جمله مقاومت افراد در برابر تغییر داشته باشد. با توجه به توضیحات بالا و پژوهش‌های کمی که در این زمینه علی‌الخصوص مقاومت افراد در برابر تغییر صورت گرفته است، لازم دانستیم که پژوهش جدیدی در این حوزه انجام دهیم. بنابراین در مقاله فوق به‌دنبال پیش‌بینی مقاومت در برابر تغییر بر اساس سبک‌های دلبستگی و انعطاف‌پذیری شناختی هستیم.

روش

روش پژوهش، جامعه آماری، نمونه و روش اجرا:

پژوهش حاضر یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. در این پژوهش مؤلفه‌های سبک‌های دلبستگی و انعطاف‌پذیری شناختی به‌عنوان مؤلفه‌های پیشین و متغیر مقاومت در برابر تغییر به‌عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شده‌اند. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی کارمندان مرد نیروی انتظامی منطقه ۱۱ شهر تهران در پاییز ۱۴۰۰ می‌باشد که به‌روش در دسترس تعداد ۱۶۷ نفر به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. آزمودنی‌ها از آزادی انتخاب برخوردار بودند و به‌صورت داوطلبانه در پژوهش شرکت کردند. همچنین برای جلب اعتماد و حس همکاری، از

محرمانه بودن داده‌ها به آن‌ها اطمینان داده شد. جمع‌آوری داده‌ها به کمک پرسش‌نامه‌های اینترنتی به مدت ۷ روز به طول انجامید.

تجزیه و تحلیل داده‌ها با کمک نرم افزار «SPSS26» انجام شد و از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. برای تحلیل داده‌های این پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون جهت بررسی ارتباط بین متغیرها و آزمون رگرسیون چندگانه جهت پیش‌بینی متغیر ملاک استفاده شده است.

ابزار سنجش: برای به دست آوردن اطلاعات لازم در پژوهش حاضر از سه پرسش‌نامه مقیاس مقاومت در برابر تغییر اورگ^۱ (۲۰۰۳)، دلبستگی بزرگسالان هازن و شیور^۲ (۱۹۸۷) و انعطاف‌پذیری شناختی^۳ (CFI) استفاده شد.

۱. مقیاس مقاومت در برابر تغییر اورگ (۲۰۰۳): این مقیاس یک ابزار تجربی برای ارزیابی تمایلات سرشتی و فردی افراد، برای مقاومت در برابر تغییر طراحی شده است. این مقیاس ۱۷ سؤال مقاومت در برابر تغییر را در یک مقیاس لیکرت ۶ نقطه‌ای از کاملاً مخالفم (۱ امتیاز) تا کاملاً موافقم (۶ امتیاز) در ۴ خرده مقیاس به دنبال روزمرگی جویی^۴، واکنش هیجانی^۵، انعطاف‌ناپذیری شناختی^۶ و تمرکز کوتاه مدت^۷ اندازه می‌گیرد. شاخص‌های برآزش در مدل تحلیل عاملی تأییدی این پرسش‌نامه در کشورهای مختلف به این صورت است که میانگین CFI، RMSEA و GFI به ترتیب ۰/۰۵، ۰/۹۳ و ۰/۹۲ گزارش شده است. ضرایب آلفای کرونباخ خرده مقیاس دنبال کردن امور عادی ۰/۸۹، واکنش هیجانی نسبت به تغییر تحمیل شده ۰/۸۶، تمرکز کوتاه مدت ۰/۷۱ و انعطاف‌ناپذیری شناختی ۰/۶۸ و ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۹۲، به دست آمده است.

1. Resistance to change
2. Adult attachment scale (AAS)
3. Cognitive flexibility inventory
4. Seeking routine
5. Reaction emotional
6. Cognitive rigidity
7. Short-term focus

۲. پرسش نامه دلستگی بزرگسالان هازن و شیور (۱۹۸۷): در این پژوهش سبک

دلستگی بر اساس پاسخگویی به پرسش نامه دلستگی بزرگسالان هازن^۱ و شیور (۱۹۸۷) مشخص می‌شود. این پرسش نامه دارای ۱۵ سؤال است که ۵ ماده پرسش نامه مربوط به سبک دلستگی ایمن (۶-۱)، ۵ ماده مربوط به سبک دلستگی نایمن / اجتنابی (۱-۵) و ۵ ماده مربوط به سبک دلستگی نایمن / دوسوگرا (۱۱-۱۵) می‌باشد و از آزمودنی خواسته می‌شود که گزینه‌هایی را انتخاب کند که سبک مشخص آن را در روابط نزدیک بهتر توصیف می‌کند و خرده مقیاسی که آزمودنی نمره بالاتری در آن کسب نماید به عنوان سبک دلستگی فرد لحاظ می‌شود. افراد با توجه به طیف لیکرت از ۱ (خیلی کم) تا ۵ (خیلی زیاد) که برای هر سؤال قرار داده شده است، به سؤالات جواب می‌دهند. خرده مقیاسی که آزمودنی نمره بالاتری در آن کسب نماید به عنوان سبک دلستگی فرد لحاظ می‌شود. هازن و شیور (۱۹۸۷) پایایی بازآزمایی کل این پرسش نامه را ۰/۸۱ و پایایی با آلفای کرونباخ را ۰/۸۷ به دست آوردند. همچنین پایایی را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به دست آمده است.

۳. پرسشنامه انعطاف پذیری شناختی (CFI): این پرسش نامه توسط دنیس و وندروال

(۲۰۱۰) معرفی شده و یک ابزار خود گزارشی کوتاه ۲۰ سؤالی است که برای سنجش نوعی از انعطاف پذیری شناختی که در موفقیت فرد برای چالش و جایگزینی افکار ناکارآمد با افکار کارآمدتر لازم است، به کار می‌رود. این پرسش نامه برای ارزیابی میزان پیشرفت فرد در ایجاد تفکر انعطاف پذیر در درمان بالینی به کار می‌رود. در ایران پژوهش شاره و همکارانش سه زیر مقیاس برای این پرسش نامه به دست آمده است که عبارتند از جایگزین‌ها، کنترل و جایگزین‌هایی برای رفتارهای انسانی. اعتبار همزمان این پرسش نامه با افسردگی بک (IDB-۱۱) برابر با ۰/۳۹ و روایی همگرایی آن با مقیاس انعطاف پذیری شناختی رتین و رابین ۰/۷۵ بود (دنیس و واندروال، ۲۰۱۰). در ایران شاره و همکارانش (به نقل از سلطانی، شاره، بحرینیان و فرمانی، ۱۳۹۲) ضریب بازآزمایی کل مقیاس را ۰/۷۱ و ضرائب آلفای کرونباخ کل مقیاس را ۰/۹۰ گزارش نموده‌اند.

1. Hazan

یافته‌ها

تحلیل جمعیت شناختی داده‌ها (جدول ۱) نشان داد که شرکت‌کنندگان در پژوهش بین سنین ۲۰ تا ۵۰ سال بودند، دارای تحصیلات دیپلم تا فوق لیسانس بوده و کمتر از ۲۵ سال از خدمت آن‌ها گذشته بود.

جدول ۱. توزیع فراوانی و درصد فراوانی نمونه بر حسب سن، تحصیلات و سابقه خدمت

متغیرها	سطوح	فراوانی	درصد فراوانی
سن	بین ۲۰ تا ۳۰ سال	۴۹	۲۹/۳۴
	بین ۳۱ تا ۴۰ سال	۷۸	۴۶/۷۱
	بین ۴۱ تا ۵۰ سال	۴۰	۲۳/۹۵
تحصیلات	دیپلم	۵۱	۳۰/۵۴
	فوق دیپلم	۶۵	۳۸/۹۲
	لیسانس	۴۴	۲۶/۳۵
	فوق لیسانس	۷	۴/۱۹
سابقه خدمت	کمتر از ۵ سال	۳۵	۲۰/۹۶
	بین ۶ تا ۱۵ سال	۷۱	۴۲/۵۱
	بین ۱۶ تا ۲۵ سال	۶۱	۳۶/۵۳

همان‌طوری که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، میانگین و انحراف معیار متغیرهای مورد بررسی گزارش شده است. به‌طور مثال میانگین و انحراف معیار متغیر مقاومت در برابر به ترتیب ۴۴/۴۵ و ۸/۰۲ می‌باشد.

جدول ۲. میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره	تعداد
مقاومت در برابر تغییر	۴۴/۴۵۵۱	۸/۰۲۳۸۴	۲۷	۷۳	۱۶۷
سبک دلبستگی ناایمن / اجتنابی	۱۲/۷۶۶۵	۳/۰۳۳۸۴	۵	۲۰	

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره	تعداد
سبک دلبستگی ایمن	۱۶/۱۱۳۸	۲/۸۴۲۰۷	۶	۲۵	
سبک دلبستگی نایمن / دوسوگرا	۱۴/۸۲۶۳	۳/۱۴۱۲۲	۵	۲۳	
انعطاف پذیری شناختی	۱۰۳/۲۲۱۶	۱۴/۷۴۹۸۸	۴۱	۱۳۷	

از پیش فرض‌های استفاده از آزمون‌های پارامتری مانند رگرسیون، نرمال بودن داده‌ها و وجود همبستگی (رابطه خطی) بین متغیر وابسته با متغیرهای مستقل می‌باشد؛ از این رو پیش از تحلیل فرضیه پژوهش، ابتدا طبیعی بودن توزیع داده‌ها را به وسیله آزمون کلموگروف-اسمیرونوف (جدول ۳) و آزمون همبستگی پیرسون در جدول خلاصه مدل (جدول ۴) مورد بررسی قرار می‌دهیم.

جدول ۳. آزمون کلموگروف-اسمیرونوف برای کنترل طبیعی بودن متغیرها

تعداد	سطح معناداری	آماره آزمون	مقاومت در برابر تغییر
۱۶۷	۰/۱۲۴	۰/۱۰۸	سبک دلبستگی نایمن / اجتنابی
	۰/۰۹۸	۰/۰۷۹	سبک دلبستگی ایمن
	۰/۲۰۰	۰/۱۷۷	سبک دلبستگی نایمن / دوسوگرا
	۰/۰۶۳	۰/۰۹۵	انعطاف پذیری شناختی
	۰/۲۰۰	۰/۰۴۹	

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول (۳) در هر یک از متغیرها که سطح معنی داری به دست آمده بزرگتر از سطح معنی داری ۰/۰۵ است، فرض نرمال بودن داده‌ها را پذیرفته و می‌توان برای بررسی فرضیه‌های این متغیرها از روش‌های پارامتریک استفاده کرد.

جدول ۴. جدول خلاصه مدل

مدل	ضریب همبستگی پیرسون (R)	ضریب تعیین (R ²)	ضریب تعیین تعدیل یافته	خطای استاندارد برآورد
۱	۰/۴۵۴	۰/۲۰۶	۰/۱۹۶	۷/۱۹۳۱۷

جدول (۴) خلاصه‌ای از نتایج آزمون رگرسیون چندگانه جهت بررسی مقاومت در برابر تغییر براساس سبک‌های دلبستگی و انعطاف‌پذیری شناختی را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشهود است، میزان ضریب همبستگی ۰/۴۵۴ می‌باشد بدین معنا که سبک‌های دلبستگی و متغیر انعطاف‌پذیری شناختی به‌طور همزمان به میزان ۰/۴۵ دارای همبستگی با متغیر مقاومت در برابر تغییر می‌باشند. همچنین میزان ضریب تعیین تعدیل یافته نیز ۰/۱۹۶ می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای سبک‌های دلبستگی و انعطاف‌پذیری شناختی تنها به میزان ۱۹ درصد توانستند تغییرات متغیر مقاومت در برابر تغییر را تبیین کنند.

جدول ۵. رگرسیون چندگانه جهت پیش‌بینی مقاومت در برابر تغییر براساس سبک‌های دلبستگی و انعطاف‌پذیری

شناختی

سطح معنی‌داری (sig)	آماره (F)	میانگین مجذورات	df	مجموع مجذورات	
۰/۰۰۰	۲۱/۲۷۷	۱۱۰۰/۸۸۸	۲	۲۲۰۱/۷۷۷	رگرسیون
		۵۱/۷۴۲	۱۶۴	۸۴۸۵/۶۳۶	باقیمانده
			۱۶۶	۱۰۶۸۷/۴۱۳	مجموع

- متغیر ملاک: مقاومت در برابر تغییر

- متغیرهای پیش‌بین: سبک‌های دلبستگی و انعطاف‌پذیری شناختی

جدول شماره (۵) معنی‌داری کل مدل را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. از آنجا که سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ است، فرضیه اصلی تأیید می‌شود و مدل معنی‌دار است. معنی‌دار بودن مدل نشان می‌دهد که متغیرهای پیش‌بین توانسته‌اند به‌طور معنی‌داری تغییرات متغیر ملاک را پیش‌بینی کنند.

جدول ۶: ضرایب رگرسیون مقاومت در برابر تغییر براساس سبک‌های دلبستگی و انعطاف‌پذیری شناختی

سطح معنی‌داری (sig)	t	ضرایب غیراستاندارد		مقدار ثابت
		ضرایب استاندارد	ضریب رگرسیونی غیراستاندارد شده (Beta)	
۰/۰۰۰	۷/۹۰۴	خطای استاندارد	۶/۹۹۸	۵۵/۳۱۲

سطح معنی داری (sig)	t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		
		ضریب رگرسیونی استاندارد شده (Beta)	خطای استاندارد	ضریب رگرسیونی غیر استاندارد	
۰/۰۲۵	۲/۷۳۳	۰/۳۲۰	۰/۱۹۹	۰/۳۴۵	سبک دل بستگی ناایمن/اجتنابی
۰/۲۰۷	۱/۲۶۸	۰/۰۹۷	۰/۲۱۵	۰/۲۷۲	سبک دل بستگی ایمن
۰/۰۲۰	۲/۹۱۱	۰/۳۷۲	۰/۱۸۲	۰/۲۳۹	سبک دل بستگی ناایمن/دوسوگرا
۰/۰۰۰	-۵/۷۱۵	-۰/۴۱۳	۰/۰۳۹	-۰/۲۲۵	انعطاف پذیری شناختی

- متغیر ملاک: مقاومت در برابر تغییر

جدول شماره (۶) مهم ترین جدول در رگرسیون است. مهم ترین بخش این جدول مربوط به مقادیر بتا و سطح معنی داری است. با مشاهده سطح معنی داری می توان گفت که چون سطح معنی داری سبک های دل بستگی ناایمن/اجتنابی و ناایمن/دوسوگرا و متغیر انعطاف پذیری شناختی کمتر از ۰/۰۵ بدست آمده است، این متغیرها بر مقاومت در برابر تغییر تأثیر معناداری دارند و می توانند تغییرات متغیر مقاومت در برابر تغییر را پیش بینی کنند. با مقایسه ضریب استاندارد شده سبک های دل بستگی ناایمن/اجتنابی (۰/۳۲۰) و ناایمن/دوسوگرا (۰/۳۷۲) و انعطاف پذیری شناختی (۰/۴۱۳-) نتیجه می گیریم که متغیر انعطاف پذیری شناختی دارای تأثیر بیشتری بر مقاومت در برابر تغییر است (که این تأثیر به صورت معکوس می باشد) و پیش بینی کننده قوی تری می باشد.

جدول ۷. نتایج آماری رابطه بین مقاومت در برابر متغیر با متغیرهای پیش بین

تعداد	شاخص های آماری		متغیرهای پیش بین	متغیر ملاک
	سطح معناداری	ضریب همبستگی		
۱۶۷	۰/۰۴۰	۰/۱۳۶*	سبک دل بستگی ناایمن/اجتنابی	مقاومت در برابر تغییر
	۰/۳۶۴	-۰/۰۲۷	سبک دل بستگی ایمن	
	۰/۰۱۳	۰/۱۷۲*	سبک دل بستگی ناایمن/دوسوگرا	

تعداد	شاخص‌های آماری		متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاک
	سطح معناداری	ضریب همبستگی		
	۰/۰۰۰	۰/۴۲۶**	انعطاف‌پذیری شناختی	

**همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است (۱ دامنه).

*همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار است (۱ دامنه).

در جدول (۷) نتایج آزمون همبستگی پرسون بین متغیر مقاومت در برابر تغییر و سبک‌های دلبستگی و انعطاف‌پذیری شناختی نشان داده شده است. طبق آزمون همبستگی پرسون بین دو متغیر مقاومت در برابر تغییر و سبک دلبستگی نایمن/اجتنابی، سطح معنی‌داری به‌دست آمده برابر با ۰/۰۴۰ می‌باشد که کمتر از مقدار مفروض ۰/۰۵ است که نشان‌دهنده وجود رابطه معناداری بین دو متغیر فوق می‌باشد. همچنین بین میزان مقاومت در برابر تغییر و سبک دلبستگی نایمن/اجتنابی رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد ($P=۰/۰۴۰$ ، $n=۱۶۷$ و $r=۰/۱۳۶$). نتایج نشان می‌دهد افرادی که سبک دلبستگی نایمن/اجتنابی بالاتری دارند، مقاومت در برابر تغییر بالاتری نیز دارند. علاوه بر این سطح معنی‌داری بین دو متغیر مقاومت در برابر تغییر و سبک دلبستگی ایمن برابر با ۰/۳۶۴ می‌باشد که بیشتر از مقدار مفروض ۰/۰۵ است که نشان‌دهنده عدم وجود رابطه معنادار بین دو متغیر فوق می‌باشد. از سوی دیگر سطح معنی‌داری بین دو متغیر مقاومت در برابر تغییر و سبک دلبستگی نایمن/دوسوگرا برابر با ۰/۰۱۳ می‌باشد که کمتر از مقدار مفروض ۰/۰۵ است که نشان‌دهنده وجود رابطه معنادار و مستقیمی بین دو متغیر فوق می‌باشد ($P=۰/۰۱۳$ ، $n=۱۶۷$ و $r=۰/۱۷۲$). نتایج نشان می‌دهد افرادی که سبک دلبستگی نایمن/دوسوگرا بالاتری دارند، مقاومت در برابر تغییر بالاتری نیز دارند.

براساس آزمون همبستگی پرسون بین دو متغیر مقاومت در برابر تغییر و انعطاف‌پذیری شناختی، سطح معنی‌داری به‌دست آمده برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد که کمتر از مقدار مفروض ۰/۰۵ است و نشان‌دهنده وجود رابطه معنادار و معکوسی بین دو متغیر فوق می‌باشد ($P=۰/۰۰۰$ ، $n=۱۶۷$ و $r=-۰/۴۲۶$). نتایج نشان می‌دهد افرادی که انعطاف‌پذیری شناختی بالاتری دارند، مقاومت در برابر تغییر پایین‌تری نیز دارند و بالعکس.

جدول ۸. ماتریس همبستگی پیرسون برای مقیاس های مقاومت در برابر تغییر و سبک های دلبستگی

سبک دلبستگی	سبک دلبستگی	سبک دلبستگی	مؤلفه های مقاومت در برابر تغییر
ناایمن/دوسوگرا	ایمن	ناایمن/اجتنابی	
۰/۰۸۲	۰/۰۱۰	۰/۰۹۷	همبستگی پیرسون
۰/۱۴۶	۰/۴۴۷	۰/۱۰۷	سطح معناداری
۰/۲۲۱**	-۰/۱۱۲	۰/۱۰۵	همبستگی پیرسون
۰/۰۰۲	۰/۰۷۴	۰/۰۸۸	سطح معناداری
۰/۰۵۸	۰/۰۰۲	۰/۱۹۰**	همبستگی پیرسون
۰/۲۲۹	۰/۴۹۲	۰/۰۰۷	سطح معناداری
۰/۱۵۳*	۰/۰۱۸	۰/۲۰۵**	همبستگی پیرسون
۰/۰۲۴	۰/۴۰۸	۰/۰۰۴	سطح معناداری

** همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است (۱ دامنه).

* همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار است (۱ دامنه).

در جدول (۸) مقیاس های متغیر مقاومت در برابر تغییر را با توجه به سبک های دلبستگی مورد ارزیابی قرار دادیم که نتایج مهم آن عبارت است از: مقیاس واکنش احساسی رابطه معنادار و مستقیمی با سبک دلبستگی ناایمن/دوسوگرا داشت ($P=۰/۰۰۲$ ، $n=۱۶۷$ و $t=۰/۲۲۱$) یعنی افرادی که سبک دلبستگی ناایمن/دوسوگرا بالاتری دارند، واکنش احساسی بالاتری نیز دارند. همچنین مقیاس تمرکز کوتاه مدت رابطه معنادار و مستقیمی با سبک دلبستگی ناایمن/اجتنابی داشت

($P=0/007$ ، $n=167$ و $r=0/190$) یعنی افرادی که سبک دلبستگی ناایمن/اجتنابی بالاتری دارند، تمرکز کوتاه‌مدت بالاتری نیز دارند. به علاوه مقیاس انعطاف‌ناپذیری شناختی رابطه معنادار و مستقیمی با سبک دلبستگی ناایمن/اجتنابی ($P=0/004$ ، $n=167$ و $r=0/205$) و سبک دلبستگی ناایمن/دوسوگرا ($P=0/024$ ، $n=167$ و $r=0/153$) داشت؛ یعنی افرادی که سبک دلبستگی ناایمن/اجتنابی و یا ناایمن/دوسوگرا بالاتری دارند، انعطاف‌ناپذیری شناختی بالاتری نیز دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف کلی پژوهش حاضر پیش‌بینی متغیر مقاومت در برابر تغییر توسط مؤلفه‌های سبک‌های دلبستگی و انعطاف‌پذیری شناختی بود. طبق نتایج مدل، پیش‌بینی متغیر مقاومت در برابر تغییر از طریق مؤلفه‌های سبک‌های دلبستگی و انعطاف‌پذیری شناختی مدل مناسبی می‌باشد. همچنین بین متغیر مقاومت در برابر تغییر و سبک‌های دلبستگی ناایمن/اجتنابی و ناایمن/دوسوگرا رابطه‌ی مستقیم وجود دارد و این یافته‌ها همسو است با یافته‌های پدرازا و بوکاتو^۱ (۲۰۱۲) و شیور و میکالینسر (۲۰۰۷) که نشان دادند ایجاد مسائل مربوط به دلبستگی، استراتژی‌های دفاعی و مقاومت در برابر تغییر را در افراد ناایمن فعال می‌کند. در مقابل بین متغیر مقاومت در برابر تغییر و سبک دلبستگی ایمن رابطه‌ی خطی وجود ندارد و این یافته مخالف است با پدرازا و بوکاتو (۲۰۱۲) که مشخص کرده‌اند که افراد ایمن نفوذپذیرتر از افراد ناایمن هستند و مقاومت به تغییر کمتری دارند. در تبیین این نتایج می‌توان گفت، افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا) احتمالاً به‌منظور جلوگیری از احساسات منفی مرتبط با درک خود، از استراتژی‌های دفاعی و مقاومت استفاده می‌کنند (باولبی^۲، ۱۹۸۲؛ کسیدی و شیور^۳، ۱۹۹۹). همان‌گونه که بوگارت و همکاران (۲۰۰۸) اشاره کرده‌اند افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن/دوسوگرا با طرد و ترک مراقبان روبه‌رو بوده‌اند که باعث شکل‌گیری یک خود بی‌ارزش در کودک و عدم اعتماد به

1. Pedrazza & Boccato
2. Bowlby
3. Cassidy & Shaver

محیط بیرونی می‌شود؛ و همچنین افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن/اجتنابی ویژگی‌هایی چون پردازش بازدارانه خطر و عدم انعطاف در دامنه وسیعی از شناخت‌ها را نشان می‌دهند (میکولینسر و شیور، ۲۰۰۷) که توجهات خوبی برای پدیده مقاومت در برابر تغییر است. به نظر می‌رسد افراد دلبسته ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا) به دلیل مشکلاتی که در روابط با مراقب (مادر) خود داشته‌اند، دنیا را ناایمن و خطرناک تصور می‌کنند و در برابر محرک‌ها و تغییرات، تدافعی عمل کرده و به روش‌های گوناگون از جمله ابراز پرخاشگری، کناره‌گیری و ... مقاومت خود را در برابر تغییر نشان می‌دهند.

براساس یافته‌های پژوهش، متغیر مقاومت در برابر تغییر و انعطاف‌پذیری شناختی رابطه معکوس وجود دارد. این یافته همسو است با شانگ، سو و سو^۱ (۲۰۱۲) که بیان داشتند انعطاف‌پذیری شناختی با مقاومت در برابر تغییر رابطه منفی دارد. در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد افرادی که توانایی تفکر انعطاف‌پذیری دارند، از توجهات جایگزین استفاده می‌کنند، به صورت مثبت چارچوب فکری خود را بازسازی می‌کنند و موقعیت‌های چالش‌انگیز و یا رویدادهای استرس‌زا را می‌پذیرند و نسبت به افرادی که انعطاف‌پذیر نیستند، از نظر روان‌شناختی، تاب‌آوری بیشتری از خود نشان می‌دهند (هوگلند و همکاران، ۲۰۰۷)، که این نشان‌دهنده رابطه معکوس انعطاف‌پذیری شناختی با مقاومت در برابر تغییر است. همانگونه که در تعریف انعطاف‌پذیری شناختی ذکر کردیم، انعطاف‌پذیری شناختی یعنی توانایی تغییر آماهی‌های شناختی به منظور سازگاری با محرک‌های در حال تغییر محیطی. حال با توجه به تعریف می‌توان گفت که انعطاف‌پذیری شناختی و مقاومت دو روی یک سکه هستند یا به بیان دقیق‌تر دو طرف یک پیوستار می‌باشند که با برجسته شدن هر کدام، دیگری کمرنگ‌تر می‌شود.

در یافته دیگری، سبک دلبستگی ناایمن/اجتنابی با زیرمقیاس‌های تمرکز کوتاه‌مدت و انعطاف‌ناپذیری شناختی و سبک دلبستگی ناایمن/دوسوگرا با زیرمقیاس‌های واکنش احساسی و انعطاف‌ناپذیری شناختی رابطه معنادار و مستقیمی داشتند. در تبیین این نتایج می‌توان گفت فردی

1. Chung, Su & Su

که دارای دلبستگی ناایمن اجتنابی می‌باشد، دارای ویژگی‌های آمادگی دفاعی، مقاومت در برابر تغییرات بیرونی، محدودیت عواطف، بی‌اعتمادی و سوءظن نسبت به دیگران و سرزنش دیگران می‌باشند (جانسون^۱، ۲۰۰۵)؛ که بیان‌کننده رابطه این سبک با انعطاف‌ناپذیری شناختی و تمرکز کوتاه‌مدت روی موضوعات مختلف است. در مقابل، فردی که دارای سبک دلبستگی ناایمن/دوسوگرا می‌باشد، رفتارهایشان بیشتر براساس هیجان‌ات است تا شناخت، به سادگی رفتارهای دیگران را به‌عنوان تهدید تعبیر می‌کنند، عزت‌نفس ضعیفی دارند و از ترک و یا طرد شدن توسط دیگران می‌ترسند (جانسون، ۲۰۰۵)؛ که نشان‌دهنده رابطه این سبک با واکنش احساسی و انعطاف‌ناپذیری شناختی می‌باشد.

این پژوهش همچون سایر پژوهش‌ها محدودیت‌هایی داشت. از آنجا که روش نمونه‌گیری پژوهش حاضر از نوع در دسترس بوده و نمونه پژوهش محدود به کارمندان مرد نیروی انتظامی منطقه ۱۱ شهر تهران بود؛ از این رو لازم است در تعمیم نتایج به جوامع دیگر، این مسئله مدنظر قرار گیرد. همچنین همگون‌سازی نشدن آزمودنی‌ها از لحاظ برخی متغیرها مانند وضعیت اقتصادی، وضعیت تاهل و محل زندگی، باعث می‌شود تعمیم نتایج با احتیاط انجام شود. از دیگر محدودیت‌های این پژوهش استفاده از پرسش‌نامه برای گردآوری اطلاعات در بخش کمی این مطالعه بود. یکی از محدودیت‌های پرسش‌نامه وجود انگیزه و علاقه لازم جهت پاسخگویی دقیق و صحیح به سؤالات می‌باشد. اگرچه مورد خاصی مبنی بر بی‌دقتی یا پاسخ‌دهی غیرواقعی مشاهده نشد، اما لازم است شرایط خاص دوران کرونا در تفسیر نتایج مورد توجه قرار گیرد. همچنین زیاد بودن تعداد سؤالات پرسش‌نامه به کاررفته در این پژوهش ممکن است بر میزان دقت پاسخ‌گویی شرکت‌کنندگان اثر گذاشته باشد.

نتایج این مطالعه نشان داد که بین مقاومت در برابر تغییر با سبک‌های دلبستگی و انعطاف‌پذیری شناختی رابطه معناداری وجود دارد و متغیرهای یاد شده می‌توانند مقاومت در برابر تغییر را به خوبی پیش‌بینی کنند. از این رو از کاربردهای بالینی این پژوهش می‌توان به چگونگی

1. Johnson

استفاده از نتایج کسب شده در زمینه کاهش مقاومت در برابر تغییر در سبب‌شناسی و طراحی مداخلات درمانی با کمک بهبود انعطاف‌پذیری شناختی و سبک‌های دلبستگی اشاره کرد. بنابراین انجام پژوهش بر مبنای نظریه‌ها و یافته‌های تحقیقاتی دهه‌های اخیر در جهت شناخت و شناسایی عوامل و محرک‌های مؤثر بر مقاومت در برابر تغییر می‌تواند موجب یافتن راه‌حل‌های جدید برای درمان و مهم‌تر از آن پیشگیری شود. به پژوهشگرانی که علاقه‌مند هستند تا به بررسی مقاومت افراد در برابر تغییر بپردازند، پیشنهاد می‌شود به نقش عوامل تأثیرگذار در این زمینه مانند جنسیت، وضعیت عاطفی، شغلی، شخصیتی و اقتصادی توجه داشته باشند و جهت تعمیم بهتر نتایج از نمونه‌گیری تصادفی استفاده نمایند. همچنین بر مبنای نتایج پژوهش حاضر، اثربخشی درمان‌های مختلف را بر روی افراد دارای مقاومت در برابر تغییر بالا مورد مطالعه قرار دهند.

تضاد منافع

پژوهش حاضر بدون هیچ‌گونه حمایت مالی از جانب سازمان خاصی صورت گرفته است و نتایج آن برای نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافی ندارد.

سپاس‌گزاری

نویسندگان مراتب سپاس خود را از تمامی شرکت‌کنندگان و افرادی که به‌نحوی در انجام این پژوهش به ما یاری رساندند، اعلام می‌دارند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- بخشی، ناهید. (۱۳۹۰). تغییر سازمانی. کار و جامعه. ۱۳۹، ۶۱-۶۷.
- سلطانی، اسماعیل؛ شاره، حسین؛ بحرینیان، عبدالمجید و فرمانی، اعظم. (۱۳۹۲). نقش واسطه‌ای انعطاف‌پذیری شناختی در ارتباط بین سبک‌های مقابله‌ای و تاب‌آوری با افسردگی. پژوهنده، ۱۸(۲)، ۸۸-۹۶.
- شاه سمندی اصفهانی، پرستو. (۱۳۸۴). کاهش مقاومت در برابر تغییر افراد با بکارگیری تئوری محدودیت‌ها. سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، تهران.
- محمدی، سارا. (۱۳۹۸). شخصیت ماکیاولیستی مدیران؛ سبک رهبری تحول‌آفرین و خدمتگزار و مقاومت کارکنان در برابر تغییر. مطالعات مدیریت دولتی ایـرـان، ۲(۳)، ۱-۳۴.
<https://doi.org/10.22034/JIPAS.2019.196548.1042>
- محمدی، جیران؛ ناداف، مهدی و صفریان، سارا. (۱۳۹۶). تبیین تأثیر اعتماد و سلامت سازمانی بر مقاومت کارکنان در برابر تغییر در سازمان‌های دولتی با توجه به نقش میانجی تعهد سازمانی (مطالعه موردی: شهرداری اهواز). مدیریت دولتی، ۹(۱)، ۸۵-۱۰۶.
<https://dori.net/dor/20.1001.1.20085877.1396.9.1.4.5>
- Ainsworth, M., Blehar, M., Waters, E., & Walls, S. (1978). **Patterns of Attachment**. Hillsdale, 23, 34-54.
- Amadio, D. M., Kleiman, T. & Schmid, P. C. (2015). Neural mechanisms of proactive and reactive cognitive control in social anxiety. **Cortex**, 70, 137-145.
<https://doi.org/10.1016/j.cortex.2015.05.030>
- Arciniega, L. M., & Gonzalez, L. (2009). Validation of the Spanish-language version of the resistance to change scale. **Personality and Individual Differences**, 46, 178-182.
<https://psycnet.apa.org/doi/10.1016/j.paid.2008.09.024>
- Beerel, A. (2009). **Leadership and change management**. New York: Sage.
- Bogaerts, S., Daalder, A. L., Van der Knaap, L. M., Kunst, M. J., & Buschman, J. (2008). Critical incident, adult attachment style and posttraumatic stress disorder: A comparison of three groups of security workers. **Social Behavior and Personality: An international journal**, 36(8), 1063-1072. <https://doi.org/10.2224/sbp.2008.36.8.1063>
- Bowlby, J. (1982). **Attachment and loss: Vol. 1. Attachment** (2nd ed.). New York: Basic Books.
- Caldwell, J., & Shaver, P. (2013). Mediators of the link between adult attachment and mindfulness. **An International Journal of Personal Relationships**, 7(2), 299-310.
<http://dx.doi.org/10.5964/ijpr.v7i2.133>
- Carbonella, J. Y., & Timpano, K. R. (2016). Examining the Link Between Hoarding Symptoms and Cognitive Flexibility Deficits. **Behavior Therapy**, 47(2), 262-273.
<https://doi.org/10.1016/j.beth.2015.11.003>
- Cassidy, J., & Shaver, P. (Eds.) (1999). **Handbook of attachment theory and research**. New York: Guilford.

- Chung, S. H., Su, Y. F., & Su, S. W. (2012). The Impact of Cognitive Flexibility on Resistance to Organizational Change. **Scientific Journal Publishers**, 40(5), 735-746. <https://doi.org/10.2224/sbp.2012.40.5.735>
- Dennis, J. P. & Vander Wal, J.S. (2010). The cognitive, flexibility, inventory; Instrument development and estimates of reliability and validity cognitive. **Therapy Research**, 34(3), 241-253. <http://dx.doi.org/10.1007/s10608-009-9276-4>
- Dickstein, D. P., Nelson, E., McClure, E. B., Grimley, M. E., Knopf, L., Brotman, M. A., Rich, B. A., Pine, D. S., & Leibenluft, E. (2007). Cognitive flexibility in phenotypes of pediatric bipolar disorder. **Journal of Child and Adolescent Psychopharmacology**, 15, 534-548.
- French, Vandal; & Bell, Cecil H. (2010). **Transformation management in the organization**. Translated by Seyed Mehdi Alvani and Hossein Danaeifard, Tehran: Saffar.
- Gan, Y., Liu, Y., & Zhang, Y. (2004). Flexible coping responses to severe acute respiratory syndrome-related and daily life stressful events. **Asian Journal of Social Psychology**, 7(1), 55-66. <https://doi.org/10.1111/j.1467-839X.2004.00134.x>
- Gutter, E. M., & Elizabeth, M. (2010). **An Empirical investigation of depressive rumination: Implication for cognitive Flexibility, problem solving and depression**. MA thesis, Philadelphia. Science Drexel University.
- Haglund, M. E. M., Nestadt, P. S., Cooper, N. S., South Wick, S. M., & Charney, D. S. (2007). Psychobiological mechanisms of resilience: Relevance to prevention and treatment of stress-related psycho pathology. **Development and Psychopathology**, 19, 889-920.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. **Journal of Personality and Social Psychology**, 42, 511-542.
- Ijaz, S., & Vitalis, A. (2011). Resistance to organizational change: Putting the jigsaw together. **International review of business research papers**, 7(3), 112-121.
- Jacques, S., & Zelazo, P. D. (2005). **On the possible roots of cognitive flexibility**. In B. D. Homer & C. S. Tamis-LeMonda (Eds.), *The development of social cognition and communication* (pp. 53-81). Lawrence Erlbaum Associates Publishers.
- Johnson, S. M. (2005). *Coming emotionally focused couple therapist*: New York: Guilford Press.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2007). **Attachment in adulthood: Structure, dynamics, and change**. New York: Guilford Press.
- Moorhead, & Griffin, (1382). **Organizational behavior**. Translated by Seyed Mehdi Alvani and Gholamreza Memarzadeh. Tehran: Morvarid Publications.
- Nov, O., & Ye, C. (2008). Users' personality and perceived ease of use of digital libraries: The case for resistance to change. **Journal of the American Society for Information Science and Technology**, 59(5), 845-851. <https://doi.org/10.1002/asi.20800>
- Oreg, S. (2003). Resistance to change: Developing and individual differences measure. **The Journal of Applied Psychology**, 88(4), 680-693. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0021-9010.88.4.680>
- Oreg, S. (2006). Personality, context, and resistance to organizational change. **European Journal of work & Organizational Psychology**, 15, 73-101. <https://doi.org/10.1080/13594320500451247>

- Pedrazza, M., & G. 2012.. Taanmrng on attachment yysss nrceaees eecuee adutt'' attributions of control. **Testing, Psychometrics, Methodology in Applied Psychology**, 19(2), 69-79. doi:10.4473/TPM19.2.1
- Peppnrg, .. , DDDonovan, P., & aa v,, P. 2013.. nndvddial differences in attachment and dispositional mindfulness: The mediating role of emotion regulation. **Personality and Individual Differences**, 54(3), 453-456. <http://dx.doi.org/10.1016/j.paid.2012.10.006>
- Robbins, & Stephen. (2017). **Fundamentals of Organizational Behavior**. Translated by Ali Parsaiyan and Seyed Mohammad Aarabi, 45th edition, Tehran: Cultural Research Office.
- Self, D. (2007). Organizational change. Overcoming resistance by creating readiness. **Development and learning in organizations**, 21(5), 11-13. <http://dx.doi.org/10.1108/14777280710779427>
- Shaver, P. R., & Mikulincer, M. (2007). **Attachment theory and research: Core concepts, basic principles and conceptual bridges**. In A. Kruglansky, & E. T. Higgins (Eds.), *Social psychology: Handbook of basic principles* (2nd ed., pp. 650-677). New York: Guilfors Press.
- Yenet, Q., Thomas, R., Kwapil, J., Tizn, T., Sheinbaum, N., & Barrantes, V. (2015). Impact of attachment style on the 1-year outeome of person with an at-risk mental state for psyehosis. **Psychiatry Res**, 228(3): 849-56. <http://dx.doi.org/10.1016/j.psychres.2015.05.013>
- Zong, J. G., Cao, X. Y., Cao, Y., Shi, Y. F., Wang, Y. N., Yan, C. (2010). Coping flexibility in college students with depressive symptoms. **Health and Quality of Life Outcomes**, 8(66), 1-6. <https://doi.org/10.1186/1477-7525-8-66>

